

## بسمه تعالی

خلاصه مطالب کتاب :

### ۱- نامعلم

- تصویری از معلم در ذهن دانش آموز که بیانگر ویژگی دانش آموز در فهم معلم است.
- در تدریس معلم نیازها و علایق ما جایی نداشت.
- کتاب را روخوانی می کرد.
- او به یادگیری تشویق نمی کرد.
- معلم تأثیرگذار نبود.
- شیوه تنبیه معلم نقش مهمی در تصویرسازی از شخصیت معلم دارد.
- معلم به مرگ یادگیری در من کمک کرد.
- از اعماق درون او را سزاوار داشتن تمام زشتی های عالم می دانستم.
- تنها چیزی که بود صدای نازیبای معلم بود و صدای گنج سفید روی تخته سیاه.
- زنگ اول می خوابید، زنگ دوم سیگار می کشید، زنگ سوم ساندویچ می خورد.
- در تدریس او بحث و گفتگو و پرسش جایی نداشت.
- در فراهم کردن محیط یادگیری برای رشد توانایی ها کوتاهی می کردند.
- نمی گذاشت بچه ها تجربه کنند.

### ۲- معلم در نقش انتقال دهنده دانش:

- معلم نیک اندیشی که کینه و نفرت را در من کشت.
- مرگ یادگیری از من رخت بریست.
- تشویق میکرد.
- مسلط بر درس بود.
- فرصت می داد فکر کنیم.
- هدف او ارتقای تفکر عقلانی و پیشرفت دانش آموز بود.
- دانش آموزان بطور یکسان به آموزش دسترسی داشته باشند.
- وادار میکرد تنها نتایج فعالیتهای علمی گذشته را در ذهن ثبت کنیم.
- با روش سقراطی می آموخت چطور افکار خود و دیگران را تحلیل کنیم.

- او در گفتگوهای ما شرکت میکرد. ما را به بحث علاقمند کرد.
- روش تمرین کردن و نظارت کردن بر روند یادگیری را آموخت.
- برای ارزشیابی به میزان درک تاکید دارد نه آنچه می دانند.

### ۳- معلم در نقش تسهیل کننده رشد دانش آموز:

- در مدارس ما رشته ها و کتابها تمام جنبه های درسی را تعیین می کند.
- آنچه کتاب می گوید مهم است نه آنچه فرد فکر می کند.
- حفظ کردن اهمیت دارد.
- گوش دادن به هستی و درون آدمی فراموش شده است.
- افراد را برای تولیدکننده بودن تربیت میکند نه انسان بودن.
- در گروههای کوچک گفتگو و کار و بازی را پرورش می دهد.
- آموزش با شادی و سروصدا
- تاکید به زمان حال نه آینده.
- زندگی کردن. بازی و کار جدا نیستند.
- پا-دست-حنجره آزاد است.
- مثل بزرگسال باما رفتار نمی کند به روحیات و علایق ما توجه دارد.
- درگیری در تجربه با رضایت. اجباری در کار نیست. کاشت لوبیا
- توجه به تفاوت در یادگیری و درگیر شدن برای یادگیری
- آزادسازی ذهن و روان- سکوت و بی تحرکی رخت بر بسته.
- در کلاس ریاضی عملی مساحت حیاط و کلاس را محاسبه می کنیم.
- در تاریخ نقش شخصیتها را بازی می کردیم.
- در جغرافیا کروکی محله را می کشیدیم.
- بچه ها کانون آموزش بودند نه محتوای کتاب درسی
- فرد با فعالیتهای خود مطالب را می آموخت.
- تهیه پوشه کار که روند پیشرفت را نشان می داد.
- باهم کار کنیم-بحث کنیم-تجربه کنیم.
- هدف تنها آموزش نیست بلکه برانگیختن رشد فرد است.
- رشدفرایندی پایان ناپذیر است. نیاز امروز کامل برآورده شود آینده تضمین می شود.

#### ۴- معلم در نقش همکار و همراه:

- درس از جایی شروع می‌شد که نگرانی ما در آن بود.
- بر مبنای تحلیل داده‌ها و تفسیر موقعیتهای اجتماعی به ارائه پیشنهادات می‌پرداخت.
- هدف ایجاد یک نگرش مشترک است.
- در پروژه‌ها دانش آموز با بخش آگهی - تهیه پوستر - ارائه به مدرسه و سازمان‌های ذیربط باعث بهبود شرایط جامعه می‌شود.

#### ۵- معلم در نقش ناظر و راهنما:

- یادگیری یعنی تغییر در رفتار
- تنها مدرک ملموس از نگرش دانش آموز رفتار اوست.
- دانش چیزی است که فرد یاد می‌گیرد تا به کار ببندد.
- در ورود به اجتماع برخورداری از اطلاعات کافی برای انجام کار در اولویت است. (درس بخوانید تا فرد مفیدی شوید).
- آماده شدن برای زندگی بزرگسالی
- با شهروندان موفق و آموزش دیده می‌توان به رشد رسید.
- معلم با نظارت بر کار ما به رشد توانایی ما کمک می‌کرد.
- قبل از یادگیری کامل به مرحله بعد نمی‌رفتیم.
- معلم در نقش ناظر مطمئن می‌شد یاد گرفته ایم.
- هدف از تدریس اطمینان از یادگیری سودمند است.
- سازماندهی ذهن با تغییر رفتار تجلی پیدا می‌کرد.
- داشتن مهارت بهتر از درک موضوع است.

#### ۶- پیش به سوی معلم شدن:

- در نقش راهنما و محرک به ترغیب و ایجاد انگیزه می‌پردازد.
- تمرین و تکرار به یادگیری مهارتها می‌انجامد.
- به نیازها و علایق توجه کنیم تا تجربه کنیم.
- گفتگو درباره علایقشان و آزادسازی ذهن و روان.
- با تعامل و سوال کردن تواناییهایشان را تشخیص می‌دهند.
- میزان پیشرفت به خودشان منعکس می‌شود.
- اینکه من همه چیز می‌دانم و آنها هیچ نمی‌دانند را از خود دور کنیم.
- آماده کردن فرد برای تغییر در طول زندگی
- پرورش انعطاف پذیری و آمادگی برای تغییر